

اسرار اذان و اقامه در سفر معراج پیامبر (ص)



شناسه خبر : ۱۳۴۵۲۶ سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۱:۵۰

از جمله روایت هایی که درباره اسرار نماز وجود دارد، روایتی از امام صادق علیه السلام درباره سرّ اذان و اقامه در سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، یکی از مسائلی که نیاز است مورد توجه طرفداران هر مسلمانی قرار گیرد، توجه به اسرار و حکمت های نظام هستی و نیز سرّ باطنی اعمال است؛ در این زمینه اهل بیت وحی از آنجا که متصل به علم بی منتهای الهی هستند و تمام حکمت های عالم نزد آن بزرگواران است، به اسرار باطنی اعمال نیز اشاره هایی داشتند؛ به عنوان نمونه مسئله ای که هر مسلمان روزانه حداقل در ۵ نوبت با آن سر و کار دارد، نماز با تمام مقدمات و مؤخرات آن است. در این زمینه احادیث متعددی درباره اسرار نماز و اسرار برخی از ارکان آن وجود دارد و انسان با مطالعه آنها می تواند به سرمنشأ اصلی آن پی ببرد.

وقتی عملی مثل نماز را از منظر معرفتی در منابع روایی جستجو می کنیم، به مجموعه ای از احادیثی می رسیم که سرجمع این احادیث گویای آن است که نماز از سنخ آداب معمولی دنیا نیست بلکه جلوه ای آسمانی دارد که فرد مسلمان با اقامه آن می تواند جنس خود را آسمانی کند و متصل به عالم بالا شود. به تعبیر دیگر، احادیث ما گویای آن هستند که نماز محملی برای رشد و ارتقای انسان به سمت آسمان هاست، منتها پیوستی دارد که همان تقید به ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و سایر اهل بیت وحی است.

از جمله روایت هایی که در این زمینه وجود دارد، روایتی از امام صادق علیه السلام درباره سرّ اذان و اقامه در سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است که شیخ صدوق آن را در علل شرایع خود نقل می کند. این روایت را در ادامه می خوانید.

امام صادق علیه السلام فرمود: ای عمر بن اذینه، نظرت در باره اذانی که این گروه ناصبی ها می گویند و نمازی که می خوانند چیست؟ عرض کرد: فدایت شوم: ایشان می گویند: اُبی بن کعب انصاری خدا را در خواب دیده و او این کیفیت را به ایشان تعلیم کرده است!

حضرت فرمود: به خدا سوگند دروغ می گویند، خداوند تبارک و تعالی منزه تر از آن است که در خواب دیده شود. و نیز فرمود: خداوند عزیز جبار نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را هفت بار به آسمان عروج داد در مرتبه اول برکت و توسعه بر او داد و در بار دوم فرائض را بر او تعلیم فرمود و در دفعه سوم خداوند عزیز جبار محملی از نور که در آن چهل نوع از انواع نور بود بر وی نازل فرمود. این نورها اطراف عرش خداوند تبارک و تعالی می شدند و دیدگان ناظرین را از فرط روشنایی می پوشاندند.

یکی از این نورها زرد بود که رنگ زردی ناشی از آن است و یکی دیگر از آنها قرمز بود که رنگ قرمزی از آن پدید آمد و دیگری سفید بود که سفیدی اشیاء از آن به وجود آمده و باقی نورها به عدد سایر انوار و الوانی است که حق تعالی آفریده بود. در این محمل حلقه ها و زنجیرهایی از نقره بود.

حضرت بر آن محمل نشسته و به آسمان دنیا عروج کردند. ملائک به اطراف و اکناف آسمان پراکنده شدند و سپس به سجده افتاده و گفتند: سُبُّوح، قُدُّوس رَبُّنا و رَبُّ الْمَلَائِكَةِ و الرُّوح. بعد ملائک گفتند: چقدر این نور شبیه به نور پروردگار ما است! پس از این کلام، جبرئیل علیه السلام برای نفی تشبیهی که از کلام آنها استفاده می شود فرمود الله کبر یعنی خدا بزرگتر است از این که احدی به او شبیه باشد. ملائک ساکت شدند و دریهای آسمان گشوده شد و ملائک اجتماع کردند. سپس محضر مبارک نبی اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شدند و فوج فوج جلو آمدند و به آن سرور سلام کردند.

بعد عرضه داشتند یا محمد، برادرت چطور است؟ حضرت فرمود: خوب است. عرض کردند: وقتی به او رسیدی از طرف ما به او سلام رسان. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا او را می شناسید؟ عرضه داشتند: چگونه او را نشناسیم و حال آنکه حق تعالی پیمان تو و او را از ما گرفته و ما بر تو و او صلوات فرستاده و طلب رحمت می کنیم. سپس چهل نوع از انواع نورها که هیچ شباهتی به نور اول نداشتند، حق تعالی به آنها افزود و به حلقه ها و زنجیرهای محمل نیز اضافه کرد.

سپس حق تعالی آن حضرت را به آسمان دوم عروج داد. زمانی که آن جناب نزدیک درب آسمان رسید، ملائک به اطراف آسمان پراکنده شده و به سجده افتاده و گفتند: سُبُّوح، قُدُّوس، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. سپس گفتند: چقدر این نور شبیه به نور پروردگار ما است! جبرئیل علیه السلام گفت: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، پس از آن ملائک اجتماع کرده و دربهای آسمان گشوده شد و گفتند: ای جبرئیل، این کیست که با توست؟ جبرئیل فرمود: این حضرت محمد است. ملائک گفتند: آیا مبعوث شده است؟ جبرئیل فرمود: بله. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ملائک به سرعت به طرف من مدد و سلام کرده و گفتند: به برادرت سلام ما را برسان. حضرت می فرمایند: به ایشان گفتم: آیا او را می شناسید؟ گفتند: بله، چگونه آن حضرت را نشناسیم و حال آنکه خداوند پیمان شما و او و شیعه او را تا روز قیامت از ما گرفته است و ما در هر روز پنج بار به صورت های شیعیان آن حضرت نظر می اندازیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سپس پروردگارم چهل نوع از انواع نور را برایم افزود که اصلاً به انوار اولی شباهت نداشتند، چنانچه حلقه ها و زنجیرهای دیگری بر آنچه قبلاً یاد شد افزود.

سپس مرا به آسمان سوم عروج داد، ملائک این آسمان به اطراف پراکنده شدند و به سجده افتاده و گفتند: سُبُّوح، قُدُّوس، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سپس اضافه کردند: این چه نوری است که شبیه نور پروردگارمان است، جبرئیل گفت: اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ. ملائک اجتماع کرده و دربهای آسمان گشوده شد. گفتند: آفرین به اوّل و ابتدائت از حیث خلقت و رتبه و آفرین به پایانت از جهت ظهور و بعثت و آفرین به کسی که زمان امتش متصل به حشر است و آفرین به کسی که پیش از خلق خلایق آفریده شد و تمام حساب ها با او است؛ یعنی محمد خاتم النبیین و علی خیر الوصیین. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به من سلام کرده و از برادرم علی علیه السلام پرسیدند. گفتم: او در زمین خلیفه و جانشین من است، مگر او را می شناسید؟ گفتند: بله. چگونه او را نشناسیم و حال آنکه در هر سال یک بار بیت المعمور را زیارت می کنیم و بر روی آن جلد و پارچه نازک سفیدی است که اسم محمد و علی و حسن و حسین و ائمه و شیعیان تا روز قیامت نوشته شده و ما با دستهایمان بر سرهای ایشان کشیده و تبرک می جویم. سپس پروردگارم چهل نوع از انواع نور که با هیچ یک از انوار اوّل شبیه نبود برایم افزود و حلقه ها و زنجیرها را نیز اضافه کرد.

سپس مرا به آسمان چهارم عروج داد در این آسمان ملائک هیچ نگفتند و صدایی شنیدم از ایشان که گویا در سینه ها حبس

بود. آنها اجتماع کردند و دربهای آسمان گشوده شد و به سرعت به طرف من شتافتند. جبرئیل گفت: حَىَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَىَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَىَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَىَّ عَلَى الْفَلَاحِ. پس از او ملائک با دو آواز مقرون به هم گفتند «بِمُحَمَّدٍ تَقُومُ الصَّلَاةُ وَبِعَلَى الْفَلَاحِ». یعنی به محمد (ص) نماز قائم است و به علیه السلام رستگاری وابسته است. جبرئیل فرموده: قامت الصَّلَاةِ، قد قامت الصَّلَاةِ. ملائک گفتند: نماز تعلق دارد به شیعیان علی علیه السلام که تا روز قیامت آن را بپا می دارند. فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ هِيَ لِشِيعَتِهِ أَقَامُوهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. سپس ملائک اجتماع کردند و به نبی اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند: برادران را کجا گذاردی و چطور است؟ حضرت به ایشان فرمود: آیا او را می شناسید؟ عرضه داشتند: آری او و شیعیانش را می شناسیم، او (یعنی علی علیه السلام) نوری است که اطراف عرش خداست و در بیت المعمور پارچه و جلد رقیق و نازکی از نور هست که با خط نور در آن نام محمد و علی و حسن و حسین و ائمه و شیعیانشان بدون این که نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد، نوشته شده است. میثاق و پیمان حضرتش را از ما گرفته اند و در هر روز جمعه بر ما قرائتش می کنند؛ پس من به سجده شکر افتادم.

انتهای پیام/

انتهای پیام/